

# شب‌غازانی و مستنبط‌غروی؛

## دو حکیم کم‌شناخته



حسن اسدی تبریزی

### اشاره

دایره‌المعارف تشیع که به همت جمعی از استادان و پژوهشگران از سال ۱۳۶۱ راه اندازی شده بود، در سال ۱۴۰۱ و با انتشار شماره شانزدهم به پایان رسید.<sup>۱</sup> برخی از مدخل‌های مربوط به تبریز و آذربایجان جلد پانزدهم و شانزدهم دایره‌المعارف تشیع به نگارنده پیشنهاد شد و برخی مدخل‌ها را نیز نگارنده پیشنهاد دادم که مورد پذیرش ویراستاران دایره‌المعارف قرار گرفت. دو مدخل «شب‌غازانی» و «مستنبط‌غروی» از این جمله هستند؛ با توجه به اینکه آنچه در دایره‌المعارف تشیع چاپ شده با آنچه نگارنده نوشته در بعضی موارد تفاوت‌هایی دارد و گاه در مرحله ویرایش خطاهایی به مقالات راه یافته، متن این دو مدخل را (با اضافاتی) اینجا منتشر می‌کنم.

## \* شنب غازی، سید اسماعیل

امیر سید اسماعیل حسینی شنب غازی / شام غازی، از حکمای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم. به شنب غازان / شام غازان منسوب است. شنب غازان یا شام غازان، که امروزه یکی از محلات تبریز است، در دوره سلطان محمود غازان خان شهر ماندی (شهرکی) بوده است و توسط وی بنا شده و مدفن غازان خان نیز بوده است.

شنب غازی نزد علاءالدین علی قوشجی (شارح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی) و شیخ حسین منطقی تحصیل کرده و سپس به شیراز رفته و از دروس جلالالدین دوانی بهره برده و پس از آن به تبریز مراجعت کرده است؛ نقل شده است که به هنگام ترک شیراز، جلالالدین دوانی در وصف وی گفته است: «این سیدزاده تبریزی از درخت طبیعت ما میوه‌های رسیده چیده می برد...». او از دوانی اجازه‌نامه‌ای نیز دریافت کرده است؛ عبارات آغازین اجازه نامه در *روضات الجنان و جنات الجنان* نقل شده اما نوع آن معلوم نیست و احتمالاً اجازه در علوم عقلی بوده است.

شنب غازی پس از مراجعت به تبریز، مجلس درس و بحث تشکیل داده و به تعلیم و تالیف مشغول بوده و در تبریز وفات کرده است. سال وفات وی را هجدهم محرم ۹۱۹ ق در سن شصت و نه سالگی ذکر کرده‌اند. مرقد و مزار وی در سر راه خسروشاه، از توابع تبریز، معین و مشهور بوده است. در حالات معنوی او گفته‌اند که نماز شب کمتر از وی فوت می‌شده است و مردی متقی بوده است. همچنین وی را از مشایخ سید شهاب‌الدین عبدالله بن بدرالدین احمد لاله، از عرفا و سادات معتبر، ذکر کرده‌اند و آورده‌اند که «بر ایشان (بر پیکر لاله) حضرت امیر اسمعیل شنب غازی، که اعلم زمان بودند و سید عالی‌نسب، نماز می‌گزارند...».

امیر سید اسماعیل شنب غازی بیشتر به جهت شرحی که بر *فصوص الحکمه*، منسوب به فارابی، نوشته شناخته شده است. وی این شرح را به نام سلطان یعقوب آق قوینلو تألیف کرده است. از این شرح نسخه‌های زیادی موجود است و متن مصحح آن با عنوان «*فصوص الحکمه* لابی نصر الفارابی و شرحه للسید اسماعیل الحسینی الشنب غازی» در تهران (۱۳۸۱ ش) چاپ شده است.

## پی نوشت

- ۱- جهت آشنایی با سرگذشت دایره‌المعارف تشیع و مسائل مربوط به جلدهای پایانی آن نک: «به مناسبت انتشار جلد پایانی دایره‌المعارف تشیع»، حسین خندق آبادی، آینه پژوهش، سال ۳۴، شماره ۲۰۳، آذر و دی ۱۴۰۲.
- ۲- ارجاع‌دهی به منابع مطابق با شیوه‌نامه دایره‌المعارف تشیع است.

## منابع<sup>۲</sup>

- ۱- کربلائی تبریزی، حافظ حسین، *روضات الجنان و جنات الجنان*، جزء اول، تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرائی، انتشارات ستوده، ۱۳۸۳ (صص ۴۳۴-۴۳۵ و صص ۵۸۸-۵۸۹).
- ۲- کربلائی تبریزی، حافظ حسین، *روضات الجنان و جنات الجنان*، جزء دوم، تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرائی، انتشارات ستوده، ۱۳۸۳ (ص ۱۸۳).
- ۳- حشری تبریزی، ملا محمد امین، *روضه اطهار*، تصحیح عزیز دولت‌آبادی، انتشارات ستوده، ۱۳۷۱ (ص ۱۲۴).
- ۴- الفارابی، نصر بن محمد بن محمد بن طرخان، *فصوص‌الحکمه و شرحه للسید اسماعیل الحسینی الشنب غازانی*، تحقیق علی اوجبی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱ (مقدمه، صص چهل و سه - چهل و پنج).
- ۵- تربیت، محمد علی، *دانشمندان آذربایجان*، بی نا، بی تا، (صص ۳۳ و ۳۹).
- ۶- نخجوانی، حاج حسین، «تاریخچه شنب غازان» در *چهل مقاله*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات آیدین، ۱۳۹۲ (صص ۶۱-۶۲).

## \* مستنبط غروی، سید مرتضی

آیت‌الله سید مرتضی مستنبط غروی حدود سال ۱۲۷۰ ش. در تبریز متولد شد. پدرش، آیت‌الله سید رضی مستنبط، از علمای تبریز و اصالتاً اهل روستای کافی‌الملک شبستر بود. ظاهراً مقدمات و سطح دروس حوزوی را در تبریز، نزد پدر و حاج سید محمود پیش‌نماز و دیگر علمای آن شهر آموخت و پس از آن به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در دروس فقه و اصول آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمری شرکت کرد؛ سپس به حوزه علمیه نجف رفته و در دروس فقه و اصول آیات سید محمدحسین غروی اصفهانی (مشهور به کمپانی)، آقا ضیاء عراقی، محمدحسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا علی فاضل ایروانی حاضر شد. با اینکه بعدها تمرکز ایشان بیشتر بر تدریس فلسفه و حکمت بوده و تألیفات بر جای مانده از وی، از ذوق حکمی و عرفانی مستنبط حکایت دارد، اما به اساتید فلسفه و حکمت او در منابع اشاره نشده و ظاهراً، طبق قول یکی از نزدیکانش، حکمت را به صورت مخفیانه نزد محقق غروی (کمپانی) تحصیل کرده است.

وی پس از اتمام تحصیلات، بر خلاف برادرانش آیات سید احمد و سید نصرالله مستنبط، به زادگاهش مراجعت کرد و در مسجد امامزاده دال ذال تبریز به اقامه جماعت و تبلیغ و ارشاد پرداخت اما فعالیت اصلی او تدریس بود؛ مستنبط در منزل تدریس می‌کرد و تدریس او در دو نوبت بود، نوبت قبل از ظهر بیشتر طلاب و روحانیون و نوبت بعد از ظهر بیشتر دانشجویان و استادان دانشگاه شرکت می‌کردند؛ وی در این جلسات تفسیر و فلسفه و عمدتاً شرح منظومه تدریس می‌کرده و گفته شده که اسفار، شرح لمعه و مکاسب نیز تدریس کرده است؛ محمود نوالی، محمدعلی موحد و جواد طباطبایی از جمله شخصیت‌هایی هستند که در درس مستنبط غروی حاضر می‌شده‌اند.

از فعالیت‌های ثابت ایشان برگزاری مجلس روضه در عصر روزهای جمعه در منزل بوده به طوری که خود در این مجلس منبر می‌رفته و سخنرانی می‌کرده و گاه از وعاظ و سخنرانان نیز برای سخنرانی دعوت می‌کرده است. برخی از دانشجویان مذهبی و مبارز قبل از انقلاب اسلامی، جلسات درس و سخنرانی مستنبط غروی را از عوامل رشد انگیزه‌های مذهبی و معرفت‌دینی خود در آن دوران برشمرده‌اند.

مستنبط غروی در کنار تدریس و تبلیغ، از امور اجتماعی و سیاسی نیز غافل نبوده و به فقرا و نیازمندان محل به صورت مخفیانه کمک می‌کرده است و همچنین امضای وی پای برخی اعلامیه‌های دوران مبارزات انقلاب اسلامی، از جمله اعلامیه علمای تبریز در محکومیت مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، دیده می‌شود.

مستنبط غروی سرانجام در سال ۱۳۵۱ ش. درگذشت و پیکر وی در گورستان شاهه (محلّه قره‌آعاج تبریز) به خاک سپرده شد و پس از تخریب این گورستان، به آرامستان وادی رحمت تبریز منتقل شد. در بیان خصائص شخصیتی او گفته شده است که بسیار شوخ طبع و اهل مزاح بوده و همچنین بر نماز شب مداومت داشته است.

از مرحوم مستنبط غروی دو اثر به چاپ رسیده است: تفسیر *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* (جزء ۳۰) و *اثر الومیض فی نفی الجبر و التفویض*؛

جزء اول تفسیر *مواهب الرحمن* (که طبق نقلی تکمیل و آماده چاپ بوده و بنا بر نقلی دیگر به اتمام نرسیده و ناقص هست) و چند حاشیه مختصر بر شرح منظومه از آثار چاپ نشده ایشان است؛ بنا بر نقلی، مستنبط رساله‌ای هم درباره عشق تألیف کرده یا در دست تألیف داشته است؛ از این رساله اطلاعی در دست نیست.

## منابع

- ۱- ابادری، عبدالرحیم، «خاندان مستنبط در حوزه نجف»، مجله فرهنگ زیارت، ش ۳۴، بهار ۱۳۹۷ (صص ۱۳۱-۱۳۵).
- ۲- الوانساز خویی، محمد، *عرشیان خاک نشین*، نشر فخر دین، بی تا (صص ۱۸۹-۱۹۰).
- ۳- دوانی، علی، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۳، بنیاد فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup>، بی تا (ص ۱۲۶).
- ۴- علیزاده، عمران، *شرح حالی از نامداران تاریخ*، ج ۲، بی نا، ۱۳۸۰ (صص ۳۶۵-۳۶۷).
- ۵- نیکبخت، رحیم، *جنبش دانشجویی تبریز به روایت اسناد و خاطرات*، سوره مهر، ۱۳۸۱ (ص ۲۳۸).
- ۶- گفت‌وگوی نگارنده با دکتر محمدعلی موحد، دکتر محمود نوالی، آیت الله سید محمدتقی آل هاشم، آیت الله سید جواد گلپایگانی، حجه الاسلام شیخ جواد بنایی، حجه الاسلام سید رضی بلاغی و مرحوم شیخ صادق انتظاری و یادداشت دکتر اسماعیل حکیمی.